

فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، سال بیست و سوم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۰

صص ۲۷۶-۲۴۳

## قلمرو حقوق متهم تحت نظر در ایران در تطبیق با معیارهای حقوق بشری<sup>۱</sup>

جلیل نعمتی<sup>۲</sup>، مرتضی ناجی‌زواره<sup>۳</sup>، منصور رحمدل<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۸/۱۸ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۰/۰۷

### چکیده

**هدف:** هدف از این تحقیق بررسی حقوق متهم تحت نظر در حقوق ایران و تطبیق آن با معیارهای حقوق بشری مندرج در اسناد بین‌المللی (اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) و تبیین جهات اشتراک و افتراق آن به منظور ارائه راهکارها و پیشنهادهای کاربردی در جهت رفع خلأهای قانونی مربوط در قانون آیین دادرسی کیفری و تقریب بیشتر آن با معیارهای حقوق بشری است.

**روش:** این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش تحلیلی-توصیفی است. گردآوری اطلاعات، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی که مباحث نظری و نتایج آن به صورت تحلیلی و توصیفی ارائه شده است.

**یافته‌ها:** حقوق متهم در مرحله تحت نظر که در قوانین آیین دادرسی کیفری گذشته کمتر مورد توجه قانون‌گذار ایرانی قرار گرفته بود، متأثر از تحولات حقوق بشری و دستاوردهای حقوق تطبیقی، در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ بیشتر مورد اهتمام واقع شده و با پیش‌بینی حقوقی مانند؛ حق ملاقات با وکیل، حق اطلاع به خانواده یا آشنایان به وسیله تلفن یا هر وسیله ممکن (از تحت نظر قرار گرفتن)، حق معاینه توسط پزشک و... گام‌های مؤثری در جهت توسعه حقوق متهم تحت نظر، در راستای تقریب آن با معیارهای جهانی حقوق بشری برداشته شده است. به گونه‌ای که می‌توان از این پس مرحله تحت نظر را جزء جدایی‌ناپذیر فرآیند دادرسی کیفری محسوب کرد؛ اما هنوز این نهاد دارای ایرادهای اساسی بوده و سؤال‌های زیادی در این باره مطرح است که در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفته و به آن‌ها پاسخ داده شده است.

**نتیجه‌گیری:** نتیجه کلی پژوهش بیانگر این واقعیت است که قوانین کیفری ایران به ویژه ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ گام‌های بلندی در جهت تأمین حقوق دفاعی متهمان به‌ویژه متهمان تحت نظر و هماهنگ‌سازی خود با معیارهای حقوق بشری جهانی برداشته است ولی هنوز این مرحله به‌طور رسمی به‌عنوان یکی از مراحل دادرسی کیفری پذیرفته نشده و دارای ایرادها و ابهام‌های اساسی است که نیازمند اصلاح و بازنگری قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در این حوزه است.

**کلید واژه‌ها:** دادرسی عادلانه، ضابط، متهم، مرحله تحت نظر، معیارهای حقوق بشری.

۱- این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان «قلمرو حقوق متهم تحت نظر در ایران در تطبیق با معیارهای حقوق بشری» است.

۲- دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران، ایمیل j.nemati49@yahoo.com

۳- استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران، ایمیل (نویسنده مسئول) Mor.Naji-Zavarei@iauctb.ac.ir

۴- استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران، ایمیل m-rahmdel@yahoo.com

## مقدمه

حقوق متهم از آن چنان اهمیتی برخوردار است که مجامع بین‌المللی نیز از آن غافل نبوده‌اند؛ زیرا رعایت حقوق متهم به عنوان انسانی با کرامت، اساس آزادی، عدالت و صلح را در جهان تشکیل می‌دهد (وروایی، بهرامی‌پور، محمدی، همت، ۱۳۹۴: ۴۳). در این بین محصول بیش از نیم قرن تلاش سازمان ملل در زمینه حقوق بشر، ده‌ها اعلامیه، قطعنامه، کنوانسیون و مقاله‌نامه است که در برخی به اثبات حقوق بشر تأکید شده و در برخی دیگر بر ممنوعیت نقض آن تصریح شده است (علامه، ۱۳۸۵: ۱۲).

در نظام حقوقی ایران نیز قوانین و مقررات متعددی وضع شده است که به اعتبار کرامت انسانی بشر، یک سری حقوق و امتیازها را برای نوع بشر (کلیه افرادی که در قلمرو سرزمینی ایران سکونت دارند) پیش‌بینی کرده است. بر این اساس حقوق متهم تحت نظر که در قوانین آیین دادرسی سابق کمتر مورد توجه قانون‌گذار ایرانی قرار گرفته بود، در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مورد توجه و اهتمام بیشتر قانون‌گذار قرار گرفته است. به گونه‌ای که با پیش‌بینی نوآوری‌های فراوان و توسعه حقوق متهم تحت نظر از جمله؛ حق ملاقات با وکیل، حق اطلاع به خانواده یا آشنایان (از تحت نظر قرار گرفتن) به وسیله تلفن یا هر وسیله ممکن، حق معاینه توسط پزشک و... گام‌های مؤثری در این حوزه برداشته شده است که قابل تحسین است؛ اما با وجود توسعه و گسترش حقوق متهمان تحت نظر و ضابطه‌مند نمودن این مرحله، هنوز هم این نهاد دارای ایرادهای اساسی بوده و با ابهام‌های زیادی مواجه است.

با توجه به موارد پیش گفته دو سؤال اساسی زیر مطرح است که؛ ۱- قلمرو و محدوده تحت نظر قرار دادن متهم در نظام حقوقی ایران منحصر و محدود به چه جرایمی است؟ به عبارت دیگر اختیارات ضابطان دادگستری در تحت نظر قرار دادن متهم منحصر و محدود به جرایم مشهود است یا این که در جرایم غیر مشهود هم ضابطان می‌توانند متهم را تحت نظر قرار دهند؟ آیا منحصر به جرایم مهم است یا در جرایم کم‌اهمیت مثل جرم

توهین ساده هم می‌توان متهم را تحت نظر قرار داد؟ علاوه بر آن مدت اولیه تحت نظر قابل تمدید است یا خیر؟ آیا متهم حق دارد به تحت نظر قرار گرفتن خود اعتراض کند؟

۲- آیا مصادیق حقوق متهم تحت نظر در نظام حقوقی ایران متوازن با معیارهای جهانی حقوق بشری توسعه یافته است؟

### مبانی نظری

تحت نظر، ترجمه تحت اللفظی «گارد-ا-ویو»<sup>۱</sup> می‌باشد که واژه‌ای فرانسوی است (آشوری، ۱۳۹۲: ۳). تحت نظر، اختیار و نه حقی است که به ضابطان دادگستری اجازه می‌دهد تا در شرایطی خاص، افراد مظنون به ارتکاب جرم را برای مدتی که امروزه در بسیاری از کشورها با لحاظ شدت مجازات جرم یا نوع جرم ارتكابی تعیین می‌شود، به منظور حصول نتایج مورد نظر قانون‌گذار در اماکن پلیس نگهداری کنند. در واقع تحت نظر یکی از نهادهای قانونی است که هم‌چون بازداشت موقت و حبس موقت منتهی به سلب حق آزادی رفت و آمد فرد شده و آزادی وی را هرچند برای ساعاتی، محدود و خدشه‌دار می‌نماید. با شروع دوره تحت نظر، متهم در مقابل جامعه و نمایندگان آن یعنی ضابطان دادگستری قرار می‌گیرد و مسلماً قدرت و امکانات جامعه بر متهم می‌چربد و توازنی بین این دو برقرار نیست (حیدری، ۱۳۹۴: ۲۸). در این میان آنچه ضروری می‌نماید، اعطای حقوقی به متهم تحت نظر است تا با استمداد از آن، تعادلی هرچند نسبی میان دو کفه ترازو برقرار شود. چنین حقوقی مسلماً در اسناد بین‌المللی حقوق بشری در راستای تحقق دادرسی منصفانه<sup>۲</sup> پیش‌بینی شده است که بسیاری از کشورها ضمن الحاق به اسناد مزبور، معیارهای حقوق بشری را وارد قانون اساسی و حقوق داخلی خود نموده‌اند. در کشور ما این مرحله در قوانین آیین دادرسی کیفری سابق کم‌رنگ بود. به گونه‌ای که می‌توان گفت قانون‌گذار ایران در ق.آ.د.ک ۱۳۷۸ اهتمام چندانی به وضعیت فرد در این مرحله ندارد (آشوری، ۱۳۹۲: ۳) و بسیاری

1 Garde-a-vue

2 Fair Trial

از تضمین‌های لازم را پیش‌بینی نکرده است. بر این اساس مطابق برخی نظرات قضایی، از جمله نظریه مشورتی شماره ۱۹۷۶ تاریخ ۸/ ۵/ ۱۳۶۷ اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضاییه تحت نظر به عنوان یک مرحله در فرآیند دادرسی کیفری پذیرفته نشده است.<sup>۱</sup> ولی در ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ بیشتر مورد اهتمام مقنن قرار گرفته و با استفاده از تحولات حقوق بشری و دستاوردهای حقوق تطبیقی، نوآوری‌های فراوانی را در خصوص حمایت از متهم پیش‌بینی کرده است. بدین سان که با توجه به گسترش حقوق متهم در این مرحله هم‌چون حق بهره‌مندی از خدمات و کیل مدافع، حق اطلاع به خانواده یا آشنایان (از تحت نظر قرار گرفتن) به وسیله تلفن یا هر وسیله ممکن، حق

۱- اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضاییه در نظریه مشورتی شماره ۱۹۷۶ - ۸/ ۵/ ۶۷، این گونه اظهار نظر نموده است «زندانی و بازداشتی به عنوان تحت نظر بودن در قانون پیش‌بینی نشده تا بحث از شمول مقررات مربوط به زندان‌ها در مورد آن مطرح شود... چون در فاصله تکمیل پرونده و اخذ تأمین قضایی، مظنون به ارتکاب جرم زندانی نیست و در عین حال به منظور جلوگیری از فرار احتمالی باید در دسترس مأموران باشد، اصطلاح تحت نظر به کار رفته یعنی تا اعزام به مرجع قضایی زیر دید مأمورین قرار گیرد».

در نظریه شماره ۲۷۲۹ / ۷ - ۱ / ۵ / ۸۰ آمده است: «مجوزی برای این که متهم در اختیار ضابطان دادگستری قرار داده شود و او را در محلی غیر از بازداشتگاه یا زندان قانونی نگهداری نمایند، وجود ندارد؛ زیرا اگر برای متهم قرار تأمین صادر نشده باشد، نگهداری و سلب آزادی او غیرقانونی است... و در مورد متهمان زندانی، چنانچه ضابطان دادگستری احتیاج به تحقیقی از آنان داشته باشند، می‌توانند این تحقیقات را در بازداشتگاه یا زندان انجام دهند».

۲- ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به احصای مهم‌ترین حقوق دفاعی متهم که رعایت آنها در یک رسیدگی کیفری ضروریست می‌پردازد و در بند ۳ مقرر می‌دارد:

بند ۳- هر کس متهم به ارتکاب جرمی بشود با تساوی کامل لافل حق تضمین‌های ذیل را خواهد داشت:

الف- در اسرع وقت و به تفضیل به زبانی که او بفهمد از نوع و علل اتهامی که به او نسبت داده می‌شود مطلع شود.

ب- وقت و تسهیلات کافی برای تهیه دفاع از خود و ارتباط با وکیل منتخب خود داشته باشد.

ج- بدون تأخیر غیر موجه درباره او قضات بشود.

د- در محاکمه حاضر بشود و شخصاً یا بوسیله وکیل منتخب خود از خود دفاع کند و در صورتی که وکیل نداشته باشد حق داشتن یک وکیل به او اطلاع داده شود و در مواردی که مصالح دادگستری اقتضاء نماید از طرف دادگاه رأساً برای او و کیلی تعیین بشود که در صورت عجز او از پرداخت حق الوکاله هزینه‌ای نخواهد داشت.

ه- از شهودی که علیه او شهادت می‌دهند سؤالات بکند یا بخواهد که از آنها سؤالاتی بشود و شهودی که علیه او شهادت دهند با همان شرایط شهود علیه او احضار و از آنها سؤالات بشود.

و- اگر زبانی را که در دادگاه تکلم می‌شود نمی‌فهمد و یا نمی‌تواند به آن تکلم کند یک مترجم مجاناً به او کمک کند.

معاینه توسط پزشک، حق تفهیم اتهام و... می‌توان از این پس مرحله تحت‌نظر را جزء جدایی‌ناپذیر فرآیند دادرسی کیفری محسوب کرد (ساقیان، ۱۳۹۳: ۱۰۳). با این وجود و با عنایت به این که مرحله تحت‌نظر دارای ایرادهای اساسی بوده و با ابهام‌ها و سؤال‌های زیادی مواجه است، در این پژوهش بر آنیم تا حقوق متهم تحت‌نظر و هم چنین حدود اختیارات و تکالیف ضابطان دادگستری در مرحله تحت‌نظر در حقوق ایران را بررسی و تجزیه و تحلیل نموده، با معیارهای حقوق بشری مندرج در اسناد بین‌المللی تطبیق داده و ضمن تبیین جهات اشتراک و افتراق آن، راهکارها و پیشنهادهای کاربردی لازم را در جهت اصلاح و رفع نواقص فعلی قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به‌منظور هماهنگ‌سازی آن با معیارهای جهانی حقوق بشری ارائه نماییم.

### معیارهای جهانی حقوق بشری

برای احصاء و تعیین معیارهای (جهانی) حقوق بشری بیش از بیست و پنج سند از جمله؛ منشور سازمان ملل متحد (۱۹۴۵)، قرارداد پیشگیری و مجازات جنایت نسل‌زدایی (۱۹۴۸)، اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)، قراردادهای ژنو (۱۹۴۹) و... مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت که برخی از این اسناد بر اثبات حقوق بشر تأکید نموده و در برخی دیگر نیز بر ممنوعیت نقض این حقوق تصریح شده است. اما از آنجا که درون مایه جنبش حقوق بشر را سه سند (الف- منشور ملل متحد، ۱۹۴۵، ب- اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸، پ- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶) تعیین می‌کنند، این اسناد به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده و کشور ایران نیز به آن ملحق شده است و...، حقوق دفاعی متهم مندرج در سه سند مزبور به عنوان معیارهای حقوق بشری تعیین و ملاک ارزیابی و سنجش قرار گرفت. با این همه چون اعلامیه جهانی حقوق بشر جزئیات حقوق دفاعی متهم را بیان ننموده و تنها ضرورت تأمین تضمین‌های لازم برای دفاع هر کسی که به بزهکاری متهم شده باشد را در جریان یک دعوی عمومی بیان می‌کند و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز همان حقوق ذکر شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر را با جزئیات بسیار

بیشتری تبیین و تشریح نموده و تعهدات مطلق و صریحی بر عهده دولت های عضو جهت احترام و تضمین حقوق مزبور برای همه افراد در قلمرو آنها و تحت صلاحیت آنها گذاشته است، مصادیق حقوق متهم مندرج در ماده ۱۴ میثاق احصاء و ملاک ارزیابی قرار گرفت<sup>۱</sup> که در ادامه به تفکیک تبیین و تشریح می گردد.

### پیشینه پژوهش

گرچه در مورد حقوق دفاعی متهم پژوهش های زیادی صورت گرفته، اما تحقیقات انجام شده در خصوص حقوق متهم تحت نظر تا قبل از تصویب و اجرایی شدن ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ محدود است. با تصویب قانون مزبور و توسعه حقوق متهم تحت نظر، این نهاد مورد توجه اندیشمندان، استادان و دانشجویان رشته حقوق قرار گرفته و مطالعات تطبیقی زیادی در این حوزه انجام شده که یکی از شاخص ترین آنها کتاب «بررسی تطبیقی حقوق متهم تحت نظری در نظام کیفری ایران و فرانسه» تألیف و روایی، بهرامی پور و محمدی است، که از آن استفاده زیادی شده است. علاوه بر آن مقاله های

---

۲- ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی به احصای مهم ترین حقوق دفاعی متهم که رعایت آنها در یک رسیدگی کیفری ضروریست می پردازد و در بند ۳ مقرر می دارد:

بند ۳- هر کس متهم به ارتکاب جرمی بشود با تساوی کامل لاقول حق تضمین های ذیل را خواهد داشت:

الف- در اسرع وقت و به تفضیل به زبانی که او بفهمد از نوع و علل اتهامی که به او نسبت داده می شود مطلع شود.

ب- وقت و تسهیلات کافی برای تهیه دفاع از خود و ارتباط با وکیل منتخب خود داشته باشد.

ج- بدون تأخیر غیر موجه دربارہ او قضات بشود.

د- در محاکمه حاضر بشود و شخصاً یا بوسیله وکیل منتخب خود از خود دفاع کند و در صورتی که وکیل نداشته باشد حق داشتن یک وکیل به او اطلاع داده شود و در مواردی که مصالح دادگستری اقتضاء نماید از طرف دادگاه رأساً برای او وکیل تعیین بشود که در صورت عجز او از پرداخت حق الوکاله هزینه ای نخواهد داشت.

ه- از شهودی که علیه او شهادت می دهند سؤالات بکند یا بخواهد که از آنها سؤالاتی بشود و شهودی که علیه او شهادت می دهند با همان شرایط شهود علیه او احضار و از آنها سؤالات بشود.

و- اگر زبانی را که در دادگاه تکلم می شود، نمی فهمد و یا نمی تواند به آن تکلم کند یک مترجم مجاناً به او کمک کند.

متعددی در حوزه مطالعات تطبیقی، تالیف شده است. از جمله؛ ۱- بررسی تطبیقی مرحله تحت نظر در آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه (محمد آشوری و روح‌اله سپهری) ۲- مطالعه تطبیقی حقوق شخص تحت نظر در نظام دادرسی کیفری ایران و امریکا (غلامحسین کوشکی و سحر سهیل مقدم) ۳- حقوق دفاعی متهم در «دوران تحت نظر» در قانون آیین دادرسی کیفری و بررسی تطبیقی آن با حقوق انگلستان (الهام حیدری) ۴- تحول‌گرایی مرحله تحت نظر پلیسی در فرایند دادرسی کیفری ایران در چشم‌انداز تطبیقی توسط علی دهقانی و همکاران تألیف و در سال ۱۳۹۸ در فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی چاپ شده که مورد بهره‌برداری قرار گرفت. هم‌چنین مقاله‌های گوناگونی در حوزه مطالعات تطبیقی، حقوق متهم تحت نظر در ایران را با حقوق فرانسه، انگلستان و آمریکا تطبیق داده‌اند.

دهقانی، آشوری، رحمدل و اردبیلی (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان «تحول‌گرایی مرحله تحت نظر پلیسی در فرآیند دادرسی کیفری ایران در چشم‌انداز تطبیقی» انجام داده است که نتایج پژوهش نشان داده است که با وجود تحولات گسترده صورت گرفته در مرحله تحت نظر و پیش‌بینی تکالیفی برای پلیس و حقوق دفاعی برای اشخاص تحت نظر، ولی اختیارات پلیس در این مرحله و حق دفاع افراد تحت نظر محدود بوده و اختیار تقاضای افزایش مدت تحت نظری از سوی پلیس در صورت ضرورت برای حفظ امنیت و دفاع از جامعه در جرایم مهم با نظارت مقام قضایی پیش‌بینی نشده است. با این وجود کمتر تحقیقی یافت می‌شود که به طور جامع محدوده، شرایط و چگونگی تحت نظر قرار دادن اشخاص و هم‌چنین حقوق متهمان در این مرحله را در نظام حقوقی ایران با معیارهای حقوق بشری (مندرج در اسناد بین‌المللی) تطبیق و مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار داده باشد.

## روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، اسنادی است. گردآوری اطلاعات، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی و تطبیق حقوق متهم تحت نظر در قوانین و مقررات داخلی (ایران) با اسناد بین‌المللی حقوق بشری که مباحث نظری و نتایج آن به صورت تحلیلی و توصیفی ارائه شده است.

## یافته‌های پژوهش

حقوق متهم تحت نظر در ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ مورد اهتمام و توجه بیشتر قانون‌گذار ایرانی واقع شده است. به گونه‌ای که حقوق مزبور در برخی موارد بسیار مترقی و دقیق‌تر از معیارهای جهانی حقوق بشری مورد تصریح و تأکید قرار گرفته و حتی برای نقض کنندگان آن مجازات تعیین شده است. بر این اساس مهمترین یافته‌های تحقیق به ترتیب در سه محور؛ ۱- قلمرو و محدوده تحت نظر قرار دادن متهم؛ ۲- شرایط و چگونگی تحت نظر قرار دادن متهم و ۳- مصادیق حقوق متهم تحت نظر به اختصار، به شرح ذیل تصریح و ضمن تطبیق با معیارهای جهانی حقوق بشری مندرج در اسناد بین‌المللی، موضع و رویکرد قانون‌گذار کشورمان را در این خصوص تبیین و راهکارها و پیشنهادهایی در جهت رفع نواقص فعلی قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ ارائه می‌شود.

## قلمرو و محدوده تحت نظر قرار دادن متهم

یکی از ایرادهای اساسی مرحله تحت نظر در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، مشخص نبودن قلمرو و دایره شمول جرایمی است که مرتکب آن تحت نظر قرار می‌گیرد. از جمله این که مشخص نیست اختیارات ضابطان دادگستری در تحت نظر قرار دادن متهم منحصر و محدود به چه جرایمی است (به جرایم مشهود یا غیر مشهود، به جرایم مهم یا کم‌اهمیت)؟ مدت اولیه تحت نظر قابل تمدید است یا خیر؟ آیا متهم حق اعتراض به تحت نظر قرار گرفتن را دارد؟ بر این اساس نخست قلمرو و محدوده تحت نظر قرار دادن متهم به شرح زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.



## ۱- در جرایم مشهود و غیر مشهود

ماده ۴۶ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «ضابطین دادگستری ... نمی‌توانند متهم را تحت نظر نگه دارند. چنانچه در جرایم مشهود نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد ... در هر حال ضابطین نمی‌توانند بیش از بیست و چهار ساعت متهم را تحت نظر قرار دهند». همچنین بر اساس ماده ۱۸۵ قانون مزبور «ضابطین دادگستری مکلف‌اند متهم جلب شده را بلافاصله نزد بازپرس بیاورند و در صورت عدم دسترسی به بازپرس یا مقام قضایی جانشین در اولین وقت اداری، متهم را نزد او حاضر کنند. به هر حال مدت نگهداری متهم تا تحویل وی به بازپرس یا قاضی کشیک نباید بیش از بیست و چهار ساعت باشد...». بر این اساس از مواد قانونی مزبور چنین استنباط می‌شود که ضابطان دادگستری علاوه بر جرایم مشهود، در جرایم غیر مشهود نیز (در موارد جلب متهم)، اجازه تحت نظر قرار دادن متهم را دارند؛ بنابراین از آنجا که محدوده تحت نظر قرار دادن متهم به صراحت مشخص نیست (در جرایم مشهود یا غیر مشهود) و از طرفی حیطه جرایم مشهود به گونه‌ای گسترش پیدا نموده که بخش اعظمی از جرایم را در برمی‌گیرد و این توسعه به منزله تجاوز به حقوق و منافع متهم تلقی می‌شود، ضرورت دارد قانون‌گذار حدود اختیارات ضابطان دادگستری را در این حوزه مشخص نماید.

## ۲- در جرایم مهم و کم‌اهمیت

یکی از ایرادهای اساسی تأسیس فوق (تحت نظر قرار دادن متهم)، محدود یا منحصر نبودن آن به جرایم خاص است، به طوری که در ظاهر به نظر می‌رسد با توجه به اطلاق صدر ماده ۴۷ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ می‌توان از این تأسیس کیفری، در جرایم کم‌اهمیت نیز استفاده کرد؛ به عبارت دیگر قانون‌گذار به صراحت تبیین و تصریح نکرده است که ضابطان در چه جرایمی اجازه دارند متهم را تحت نظر قرار دهند. آیا ضابطان در جرایم مهم می‌توانند متهم را تحت نظر قرار دهند؟ یا این که در کلیه جرایم اعم از جرایم مهم و جرایم کم‌اهمیت مانند جرم توهین ساده هم می‌توانند متهم را تحت نظر قرار دهند؟ بر این اساس در حال حاضر از مواد مرتبط در ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ به ویژه ماده ۴۷ قانون

مزبور که مقرر می‌دارد: «هرگاه فردی خارج از وقت اداری به علت هریک از عناوین مجرمانه تحت نظر قرار گیرد...» مشخص می‌شود که علت تحت نظر قرار گرفتن متهم، محدود به جرایم مهم یا مشهود نیست و می‌توان متهم را «به علت هریک از عناوین مجرمانه» صرف نظر از میزان یا درجه مجازات یا نوع آن، تحت نظر قرار داد (ناجی، ۱۳۹۴: ۱۱۷). بنابراین با توجه به اهمیت موضوع حفظ حقوق و آزادی‌های اساسی افراد، به‌ویژه این که این اختیار قانونی (هرچند موقت) موجب سلب آزادی رفت و آمد شهروندان می‌شود، ضرورت دارد قانون‌گذار حدود اختیارات ضابطان دادگستری را در این حوزه مشخص نماید. برای مثال قانون‌گذار ایرانی در این زمینه می‌تواند از قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه اقتباس کند. چرا که تحت نظر در فرانسه تنها در مورد جرایم با درجه جنایت با مجازات حبس قابل اعمال می‌باشد (دهقانی، آشوری، رحمدل و اردبیلی، ۱۳۹۸: ۹۴). در واقع ماده ۲-۶۲ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه تحت نظر را یک استثناء تلقی و آن را به حقوق بازداشت موقت نزدیک ساخته است؛ زیرا توسل به آن جایز نیست مگر در جرایم مشخص و در صورتی که تنها ابزار دست‌یابی به اهداف شش‌گانه موضوع این ماده باشد و مستدل و موجه باشد (القاصی مهر، ۱۳۹۷: ۴۳).

### ۳- مدت تحت نظر قرار دادن متهم و نحوه تمدید آن

#### اول: مدت اولیه تحت نظر

در ماده ۲۴ ق.آ.د.ک ۱۲۹۰ (سابق)، علاوه بر این که تصریحی در مورد عبارت تحت نظر دیده نمی‌شود؛ واژه «توقیف» در ماده مذکور آمده بود، مدت تحت نظر قرار دادن متهم نیز ذکر نشده بود و به جای آن تصریح شده بود کمیسرهای نظمی متهم را بیش از بیست و چهار ساعت نمی‌توانند در توقیف‌گاه نگه دارند. بعد از انقلاب اسلامی نیز قانون‌گذار با تصویب قانون اساسی ج.ا.ا. مدت تحت نظر قرار دادن متهم را به‌طور ضمنی در اصل ۳۲ تعیین و آن را بیست و چهار ساعت عنوان کرده است (نک، اصل ۳۲ قانون اساسی).

با تصویب ق.آ.د.ک ۱۳۷۸ نیز قانون‌گذار در ماده ۲۴ مقرر نمود «ضابطین دادگستری... حداکثر تا مدت بیست و چهار ساعت می‌توانند متهم را تحت نظر نگهداری نموده...» و سرانجام قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در ماده ۴۶ به صراحت بیان می‌دارد «... در هر حال ضابطان نمی‌توانند بیشتر از بیست و چهار ساعت متهم را تحت نظر قرار دهند؛ بنابراین با نگاهی به نظام کیفری ایران در قبل و بعد از انقلاب اسلامی نتیجه می‌گیریم که مدت اولیه تحت نظر قرار دادن متهم که گاهی تحت عنوان بازداشت یا توقیف از آن نام برده شده است، حداکثر بیست و چهار ساعت و در کلیه جرایم یکسان است که ضابطان دادگستری مجاز هستند متهم را تحت نظر قرار دهند و اضافه بر آن تحت عنوان توقیف غیرقانونی قابل تعقیب و مستوجب مجازات کیفری است. باین حال در اسناد بین‌المللی حقوق بشری تصریحی در مورد مدت تحت نظر قرار دادن متهم و یا تمدید آن وجود ندارد. بلکه در ماده ۹-۳ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر شده است «هر کس به اتهام جرمی دستگیر یا بازداشت (زندانی) می‌شود باید او را در اسرع وقت در محضر دادرسی یا هر مقام دیگری که به موجب قانون مجاز به اعمال اختیارات قضائی باشد حاضر کرد و باید در مدت معقولی دادرسی یا آزاد شود...».

### **دوم: تمدید مدت تحت نظر**

در ماده ۲۴ ق.آ.د.ک ۱۲۹۰ (سابق) به نوعی تمدید مدت اولیه بیست و چهار ساعت پیش‌بینی شده بود. با تصویب ق.آ.د.ک ۱۳۷۸ در ماده ۲۴ آن نوعی دوگانگی در بیان قانون‌گذار مشاهده می‌شد. به طوری که به صراحت اجازه تمدید مدت تحت نظر به مقام قضایی داده نشده بود و از طرف دیگر ادامه بازداشت و یا آزادی متهم وابسته به تعیین تکلیف آن از سوی مقام قضایی شده بود.

مطابق مقررات قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری نیز (به استناد مواد ۲۴-۱۲۳-۱۲۷) با انقضای بیست و چهار ساعتی که متهم تحت نظر بوده، ضابطان باید متهم را حتی در روزهای تعطیل و ساعات غیر اداری به قاضی (مثل قاضی کشیک) معرفی نمایند و قاضی هم حسب ماده ۱۲۷ قانون مزبور باید بیست و چهار

ساعت پس از حضور متهم شروع به تحقیق نموده و تکلیف او را روشن کند، در غیر این صورت بازداشت غیرقانونی تلقی می‌شود.

سرانجام ماده ۴۶ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ در این خصوص مقرر نمود «در هر حال ضابطان نمی‌توانند بیشتر از بیست و چهار ساعت متهم را تحت نظر قرار دهند». علاوه بر آن این وضعیت در ماده ۱۸۹ قانون مزبور این گونه مورد تأکید قرار گرفته که «بازپرس مکلف است بلافاصله پس از حضور یا جلب متهم، تحقیقات را شروع کند و در صورت عدم امکان، حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت از زمان تحت نظر قرار گرفتن او توسط ضابطان دادگستری، با رعایت ماده ۹۸ این قانون اقدام به تحقیق نماید. در صورت غیبت یا عذر موجه بازپرس .... محول می‌کند.

تبصره- تحت نظر قرار دادن متهم بیش از بیست و چهار ساعت، بدون آن که تحقیق از او شروع یا تعیین تکلیف شود بازداشت غیرقانونی محسوب و مرتکب به مجازات قانونی محکوم می‌شود.».

بر این اساس نتیجه می‌گیریم که قانون‌گذار در ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ از شناور بودن اختیارات ضابطان و مقامات قضایی در تحت نظر قرار دادن متهم بیش از بیست و چهار ساعت کاسته است (ورویایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۸). بنابراین آنچه در حال حاضر از قوانین حاکم برداشت می‌شود این است که علاوه بر مدت اولیه تحت نظر، برای مدت بیست و چهار ساعت دیگر (در کل ۴۸ ساعت) توسط مراجع قضایی قابل تمدید است که گاه مراجع و مقامات قضایی پا را از حد مجاز قانونی فراتر گذاشته و دستور تحت نظر قرار دادن متهم را برای مدتی بیش از ۴۸ ساعت صادر می‌کنند که برخلاف متن صریح قوانین است و گاهی ضابطان نیز این دستورات را اجرا می‌کنند.

اما نکته مهم در این خصوص، ضرورت پیش‌بینی «تمدید اولیه مدت تحت نظر» و هم چنین «افزایش استثنایی مدت تحت نظر» است که مورد توجه قانون‌گذار ایرانی قرار نگرفته است. چرا که تجربه عملی و اقتضای برخی جرایم ایجاب می‌کند که فرد

مظنون، مدت بیشتری را جهت تکمیل تحقیقات اولیه و تسریع در حفظ دلایل و آثار جرم و جلوگیری از تبعات گسترده آن، به خصوص در جرایم امنیتی و سازمان‌یافته، در کلانتری‌ها و محل نیروهای پلیس به سر برد (آشوری و سپهری، ۱۳۹۲: ۱۰). برای نمونه ماده ۷۰۶-۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۲۰۰۴ در این ارتباط بیان کرده است که مدت تحت نظر بودن برای جرم‌هایی که در ماده ۷۰۶-۲۳ قانون دادرسی کیفری فرانسه (جنایات و جنحه‌های سازمان‌یافته مندرج در مواد ۴-۲۲۱، ۴-۲۲۲، ۲-۵-۲۲۴، ۹-۳۱۱، ۸-۳۲۲ قانون مجازات عمومی فرانسه) ذکر شده می‌تواند در دو نوبت بیست و چهار ساعته دیگر تمدید شود؛ بنابراین در حالی که مدت تحت نظر بودن اشخاص برای جرم‌های عادی با احتساب یک نوبت تمدید حداکثر ۴۸ ساعت است در مورد جرم‌های جهانی مانند جرم‌های تروریستی و سازمان‌یافته، علاوه بر ۴۸ ساعت اولیه تا ۴۸ ساعت دیگر نیز قابل تمدید است؛ یعنی می‌توان مدت تحت نظر در این جرم‌ها را حداکثر چهار روز کامل دانست (احمدی و رضایی، ۱۳۹۵: ۱۳۳).

#### ۴- اعتراض به تحت نظر قرار گرفتن

با وجود این که اعتراض به هر تصمیمی باید بر اساس اصول دادرسی منصفانه پذیرفته شده باشد و مورد احترام قرار گیرد تا از تضییع حقوق متهم جلوگیری شود؛ اما با نگرشی در ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ می‌توان گفت که هیچ‌گونه حق اعتراضی برای شخص (متهمی) که توسط ضابطان دادگستری تحت نظر قرار می‌گیرد به صراحت بیان نشده است تا بتواند مراتب اعتراض خود را به مقام قضایی اعلام و از تضییع حقوق خود جلوگیری نماید. بر این اساس در عمل شخص یا متهمی که توسط ضابطان دادگستری تحت نظر قرار می‌گیرد از چنین حقی محروم است. در حالی که مطابق ماده ۹-۴-میتاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ «هر کس که بر اثر دستگیر یا بازداشت (زندانی) شدن از آزادی، محروم می‌شود حق دارد که به دادگاه تظلم نماید. به این منظور که دادگاه بدون تأخیر راجع به قانونی بودن بازداشت اظهار رأی بکند و در صورت غیرقانونی بودن بازداشت حکم آزادی او را صادر کند».

بنابراین از آنجا که تحت نظر قرار گرفتن متهم موجب سلب آزادی رفت و آمد شخص / متهم تحت نظر قرار گرفته می‌شود و هیچ‌گونه حق اعتراض به تحت نظر قرار گرفتن در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ پیش‌بینی نشده است، ضرورت دارد که حق اعتراض متهم به تحت نظر قرار گرفتن در اصلاحات قانون مزبور مورد توجه و پذیرش قانون‌گذار قرار گرفته و نهاد مستقلی برای تظلم خواهی و رسیدگی به این اعتراض پیش‌بینی نماید.

### **شرایط و چگونگی تحت نظر قرار دادن متهم**

شرایط و چگونگی تحت نظر قرار دادن متهم که شامل: ۱- جهات قانونی تحت نظر قرار دادن متهم؛ ۲- مقامات مجاز صادرکننده دستور تحت نظر قرار دادن متهم و ۳- ضمانت اجرای رعایت حقوق متهمان در مرحله تحت نظر می‌شود، از مواردی است که تبیین دقیق آن توسط قانون‌گذار می‌تواند از تضييع حقوق متهم در این مرحله جلوگیری و نقش مؤثری در زمینه تحقق دادرسی عادلانه فراهم نماید. این شرایط و کیفیات که به تفکیک و به شرح ذیل در حقوق ایران مورد توجه قانون‌گذار ایرانی قرار گرفته است در اسناد بین‌المللی حقوق بشری به آن اشاره‌ای نشده و اسناد مزبور به طور کلی مصادیقی از حقوق دفاعی متهمان را تبیین نموده است.

### **۱- جهات قانونی تحت نظر قرار دادن متهم**

مفاد اسناد بین‌المللی حقوق بشری در مورد جهات قانونی تحت نظر قرار دادن متهمان ساکت است؛ اما با نگاهی به مواد مرتبط در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، از جمله مواد ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۱۸۵ و ۱۸۹ جهات صدور دستور تحت نظر قرار دادن متهم را می‌توان در موارد زیر احصاء کرد:

الف- جلوگیری از فرار و به لحاظ خوف فرار متهم.

ب- جلوگیری از تبانی متهم با دیگری.

پ- ضرورت بازداشت متهم برای تکمیل تحقیقات.

ت- جلوگیری از امحای آثار جرم.

ث- انجام هر تحقیقی که برای کشف جرم لازم باشد.

ج- در دسترس داشتن متهم.

چ- جلوگیری از پنهان شدن متهم.

ح- جلوگیری از وقوع فساد.

البته به نظر می‌رسد نگارنده تحت نظر قرار دادن متهم را موسع دیده‌اند (اعم از نگهداری متهم توسط ضابطان و بازداشت موقت متهم به دستور مقام قضایی).

## ۲- مراجع صدور دستور تحت نظر قرار دادن متهم

در حقوق ایران در امور کیفری نگهداری متهم تحت نظر به دستور مقام‌های زیر صورت می‌گیرد. در حالی که در این خصوص تصریحی در اسناد بین‌المللی حقوق بشری وجود ندارد. در واقع اسناد مزبور به‌طور کلی مواردی از حقوق دفاعی متهمان را تبیین نموده و اشاره‌ای به این موضوع ندارد.

الف- به دستور ضابطان دادگستری.

ب- به دستور قضات دادسرا.

پ- به دستور قاضی دادگاه عمومی بخش در مرحله تحقیق در خصوص پرونده‌هایی که رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت دادگاه بخش است و نیز به دستور قاضی دادگاه بخش در مواردی که به جانشینی از بازپرس در پرونده‌های موضوع صلاحیت دادگاه‌های کیفری استان اقدام می‌نماید.

ت- به دستور قاضی دادگاه عمومی شهرستان در مواردی که پرونده امر به‌طور مستقیم از سوی دادگاه رسیدگی می‌شود.

ث- به دستور قاضی دادگاه کیفری مرکز استان در مواردی که پرونده امر به‌طور مستقیم و رأساً در دادگاه کیفری مرکز استان مورد رسیدگی قرار می‌گیرد.

البته برخی از استادان و حقوق‌دانان از جمله دکتر الهام حیدری معتقدند که تحت نظر گرفتن متهمان از اختیارات ضابطان دادگستری است و مأموران دیگر دولت چنین اختیاری ندارند (حیدری، ۱۳۹۴: ۳۱). هم‌چنین از آنجا که قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در ماده ۱۸۹ مقرر می‌دارد «بازپرس مکلف است بلافاصله پس از حضور یا جلب

متهم، تحقیقات را شروع کند و در صورت عدم امکان، حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت از زمان تحت نظر قرار گرفتن او توسط ضابطان دادگستری، با رعایت ماده ۹۸ این قانون مبادرت به تحقیق نماید. تبصره - تحت نظر قرار دادن متهم بیش از بیست و چهار ساعت، بدون این که تحقیق از او شروع یا تعیین تکلیف شود، بازداشت غیرقانونی محسوب و مرتکب به مجازات قانونی محکوم می‌شود.»، به نظر می‌رسد تحت نظر قرار دادن متهم از اختیارات ضابطان دادگستری باشد.

### ۳- ضمانت اجرای رعایت حقوق متهمان تحت نظر

در اسناد بین‌المللی حقوق بشری هیچ تصریح روشنی مبنی بر پیش‌بینی ضمانت اجرای لازم (کیفری و حقوقی) برای الزام مقامات و مأموران دولتی به رعایت حقوق متهمان تحت نظر وجود ندارد؛ اما در حقوق ایران به‌طور کلی برای رعایت حقوق دفاعی متهمان و به‌طور خاص برای رعایت حقوق متهمان تحت نظر، ضمانت اجرای کیفری و حقوقی پیش‌بینی شده است که به اختصار، به شرح ذیل تبیین و تشریح می‌شوند.

#### الف- ضمانت اجرای کیفری

چنانچه ضابطان دادگستری و مقامات قضایی و مجریان قانون در مرحله تحت نظر، حقوق متهم (شخص) تحت نظر را تأمین نکرده و الزامات قانونی را مراعات ننمایند، این کار آنان عواقبی به دنبال خواهد داشت. بر این اساس از آنجا که بهترین راه حمایت از حق، این است که دولت وسایلی را برانگیزد که از وقوع تجاوز جلوگیری کند (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۳۱۸)، قانون‌گذار ایرانی در قوانین مختلف (به شرح ذیل) برای مقام‌هایی که حقوق متهمان تحت نظر را نقض نمایند، مجازات پیش‌بینی نموده است.

#### اول- در قانون اساسی ج.ا.ا.

اصل ۳۲ ق.ا مقرر می‌دارد «هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون تعیین می‌کند. در صورت بازداشت موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود...متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.»



همچنین اصل ۳۹ ق.ا.هتک حرمت و حیثیت فرد دستگیر و بازداشت شده را ممنوع و موجب مجازات دانسته است. در اصل ۳۸ نیز ضمانت اجرای هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع را بی‌اعتباری آن قرار داده است. بر این اساس گرچه قانون اساسی مصادیق مجازات را دقیق بیان نکرده اما اصل مجازات و ضمانت اجرای تخطی از الزامات قانونی توسط ضابطان و مجریان قانون را پیش‌بینی نموده است.

دوم- در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری ۱۳۷۸ قانون‌گذار در این قانون باید کلیه مصادیق پیش‌بینی شده در قانون اساسی را ذکر می‌کرد. در حالی که این مهم مورد توجه قانون‌گذار قرار نگرفته و تصریح مشخصی هم در این قانون وجود ندارد. بلکه تنها در ماده ۱۶ قانون مزبور مقرر شده بود «ضابطین دادگستری مکلفند دستورات مقام قضایی را اجرا کنند. در صورت تخلف به سه ماه تا یک سال انفسال از خدمات دولت و یا از یک تا شش ماه حبس محکوم خواهند شد». سوم - در قانون مجازات اسلامی

قانون مجازات اسلامی در بخش تعزیرات نیز مجازات‌هایی را به شرح ذیل برای مأموران وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که بر خلاف قانون، حقوق متهمان تحت نظر را رعایت نکنند، مقرر نموده است.

ماده ۵۷۲ ق.م.ا: «هرگاه شخصی بر خلاف قانون حبس شده باشد و در خصوص حبس غیرقانونی خود شکایت به ضابطین دادگستری یا مأمورین انتظامی نموده و آنان شکایت او را استماع نکرده باشند و ثابت نمایند که تظلم او را به مقامات ذیصلاح اعلام و اقدامات لازم را معمول داشته‌اند به انفسال دائم از همان سمت و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت سه تا پنج سال محکوم خواهند شد.»

ماده ۵۷۵ ق.م.ا: «هرگاه مقامات قضایی یا دیگر مأمورین ذیصلاح بر خلاف قانون توقیف یا دستور بازداشت یا تعقیب جزایی یا قرار مجرمیت کسی را صادر نمایند به

انفصال دائم از سمت قضایی و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت پنج سال محکوم خواهند شد.»

ماده ۵۷۸ ق.م.ا: «هر یک از مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیر قضائی دولتی برای این که متهمی را مجبور به اقرار کند او را اذیت و آزار بدنی نماید علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌گردد و چنانچه کسی در این خصوص دستور داده باشد فقط دستور دهنده به مجازات حبس مذکور محکوم خواهد شد و اگر متهم به واسطه اذیت و آزار فوت کند مباشر مجازات قاتل و آمر مجازات آمر قتل را خواهد داشت.»

ماده ۵۸۳ ق.م.ا: «هر کس از مقامات یا مأمورین دولتی یا نیروهای مسلح یا غیر آنها بدون حکمی از مقامات صلاحیت‌دار در غیر مواردی که در قانون جلب یا توقیف اشخاص را تجویز نموده، شخصی را توقیف یا حبس کند یا عنفاً در محلی مخفی نماید به یک تا سه سال حبس یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.»

چهارم- در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ این قانون الزامات متعددی را برای کلیه محاکم عمومی، انقلاب و نظامی، دادسراها و ضابطان قوه قضائیه در باب حفظ حقوق متهم تحت نظر به شرح ذیل پیش‌بینی (هرچند بیان داشته متخلفان به مجازات مندرج در قوانین موضوعه محکوم خواهند شد) و به شرح ذیل مقرر داشته است:

بند ۹: «هرگونه شکنجه متهم به‌منظور اخذ اقرار یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذ شده بدین‌وسیله حجیت شرعی و قانونی نخواهد داشت.»

بند ۱۰: «تحقیقات و بازجویی‌ها، باید مبتنی بر اصول و شیوه‌های علمی قانونی و آموزش‌های قبلی و نظارت لازم صورت گیرد و با کسانی که ترتیبات و مقررات را

نادیده گرفته و در اجرای وظایف خود به روش‌های خلاف آن متوسل شده‌اند، بر اساس قانون برخورد جدی صورت گیرد».

بند ۱۳: «محاکم و دادسراها بر بازداشتگاه‌های نیروهای ضابط یا دستگاه‌هایی که به موجب قوانین خاص وظایف آنان را انجام می‌دهند و نحوه رفتار مأموران و متصدیان مربوط با متهمان، نظارت جدی کنند و مجریان صحیح مقررات را مورد تقدیر و تشویق قرار دهند و با متخلفان برخورد قانونی شود.»

بند ۱۵: «رئیس قوه قضائیه موظف است هیئتی را به منظور نظارت و حسن اجرای موارد فوق تعیین کند. کلیه دستگاه‌هایی که به نحوی در ارتباط با این موارد قرار دارند، موظف‌اند با این هیئت همکاری لازم را معمول دارند. آن هیئت وظیفه دارد در صورت مشاهده تخلف از قوانین، علاوه بر مساعی در اصلاح روش‌ها و انطباق آن‌ها با مقررات، با متخلفان نیز از طریق مراجع صالح برخورد جدی نموده و نتیجه اقدامات خود را به رئیس قوه قضائیه گزارش نمایند.»

پنجم - در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲

قانون‌گذار در ماده ۶۳ قانون مزبور برای تخلف ضابطان از مقررات مواد مربوط به حقوق متهم تحت نظر، سه ماه تا یک سال محرومیت از خدمات دولتی تعیین کرده است که به نظر می‌رسد نوعی نرمش (رفتار ملایم‌تری) با ضابطان دادگستری و پلیس نشان داده است. (با توجه به پیش‌بینی یکی از مجازات سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی یا یک تا شش ماه حبس در ق.آ.د.ک (۱۳۷۸). البته این رویکرد قانون‌گذار منطبق با سیاست‌های کاهش جمعیت کیفری و حبس‌زدایی بوده و ضابطان دادگستری نیز با نگرانی کمتر انجام وظیفه خواهند نمود.

هم‌چنین در ماده ۷ قانون مزبور آمده است «در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در (قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۰۲/۱۵) از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر

اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارت وارده، به مجازات مقرر در ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ محکوم می‌شوند، مگر آن که در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد».

### ب- ضمانت اجرای حقوقی

در باب ضمانت اجرای رعایت حقوق دفاعی متهم (تحت نظر) به شرح مجازات پیش‌بینی شده برای ضابطان از جمله محرومیت و انفصال دائم یا موقت از خدمات دولتی و... باید گفت که این ضمانت اجرا، یک ضمانت اجرای اداری است (وروایی، ۱۳۹۴: ۱۴۴)؛ یعنی هرچند تخلف از این مواد قانونی ممکن است باعث محرومیت ضابطان دادگستری شود ولی اظهارات متهم هم صحیح است و مشخص نیست که آیا می‌توان این اظهارات متهم را که با تخلف ضابطان و نهاد تحقیق و تعقیب تحصیل شده باطل و بی اعتبار دانست یا خیر؟ آیا حقی که از متهم تحت نظر سلب شده و در تصمیم‌گیری محاکم قضایی مورد ترتیب اثر قرار گرفته باشد، می‌تواند به نفع متهم باشد یا علیه او؟ و...

بنابراین یکی از ضعف‌های قوانین به‌ویژه ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ این است که بطلان اعمال حقوقی اسناد و مدارک تحصیل شده علیه متهمی که با سلب حقوق او در مرحله تحت نظر به‌دست آمده است را پیش‌بینی ننموده تا عدالت به معنای واقعی کلمه رعایت شود. هم‌چنین در ارتباط با تشریفات که مربوط به حقوق فرد تحت نظر است (مانند حق معاینه توسط پزشک، حق بر حفظ حیثیت و آبرو و تمامیت جسمی و روانی، حق ملاقات با افراد خانواده)، ضمانت اجرای لازم برای ضابطان و مقام‌هایی که آن را رعایت نکرده و از آن تخلف نمایند به صراحت توسط قانون‌گذار تبیین نشده و تنها ممکن است ضابطان دادگستری بر اساس ماده ۶۳ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ به انفصال از خدمت محکوم شوند. بدیهی است که در صورت تخلف از مقررات مفاد این ماده خللی به

تحت نظر و اقداماتی که در راستای آن انجام گرفته است، از این حیث که ضمانت اجرای بطلان متوجه این گونه اقدامات شود، وارد نمی‌شود.

از طرف دیگر طبق بند ۱۵ قانون احترام به آزادی‌های مشروع، هیئتی موظف به نظارت بر حسن اجرا و برخورد با متخلف از طریق مراجع صلاحیت‌دار شده و تخلف موجب تنبیه انضباطی و اداری است و دردی از حقوق متهم را درمان نمی‌کند. (در حالی که ضمانت اجرای کیفری یعنی مجازات مرتکب جرم و ناقض حقوق متهم)، پس باید برای حفظ حقوق متهم تحت نظر، ابطال اعمال حقوقی ناشی از رفتارهای غیرقانونی ضابطان، به عنوان یک ضمانت اجرای حقوقی قوی پیش‌بینی شود.

#### مصادیق حقوق متهم تحت نظر

گرچه مرحله تحت نظر تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ کمتر مورد توجه قانون‌گذار کشور قرار گرفته بود، اما با تصویب این قانون، مرحله نخست دادرسی کیفری یعنی کشف جرم در نظام حقوقی ایران به رسمیت شناخته شده و گام‌های مهمی در راستای تقویت حقوق و آزادی‌های اساسی افراد و رعایت کرامت انسانی متهم برداشته شده است. این تحولات چیزی جز رعایت موازین حقوق بشری مندرج در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، به ویژه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ و اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی نیست که به موجب آن کنش‌گران فرآیند کیفری به رعایت اصول دادرسی منصفانه و تأمین حقوق دفاعی متهمان مکلف شده‌اند (ساقیان، ۱۳۹۳: ۱۱۸). بنابراین مصادیق حقوق متهم تحت نظر در نظام حقوقی ایران احصاء و با حقوق متهمان، مندرج در اسناد بین‌المللی حقوق بشری (اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی) تطبیق داده شده که حقوق مشترک بین این دو در قالب جهات اشتراک و سایر حقوق متهمان تحت نظر که در هر کدام از این دو پیش‌بینی نشده است در قالب جهات افتراق، تبیین و به تفکیک به شرح زیر تشریح می‌شود و در پایان نیز پیشنهادهای کاربردی مورد نظر ارائه می‌شود.

#### اول: جهات اشتراک

## ۱- حق آزادی و امنیت شخصی افراد

اصل آزادی و امنیت شخصی افراد که تحت عناوینی چون ممنوعیت دستگیری، توقیف و یا بازداشت خودسرانه افراد از آن یاد می‌شود اولین فصل مشترک از حقوق متهمان در قوانین و مقررات ایران و اسناد بین‌المللی حقوق بشری است که مورد توجه نظام قانون‌گذاری کلیه ملل متمدن نیز قرار گرفته است. بدین ترتیب که مطابق ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ «هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد.» و بر اساس ماده ۹ اعلامیه مزبور نیز «هیچ کس نباید خودسرانه بازداشت، حبس یا تبعید شود.» هم‌چنین ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ ضمن ممنوعیت بازداشت خودسرانه، توقیف و سلب آزادی افراد را امری استثنایی و به موجب قانون می‌داند.<sup>۱</sup>

نظام حقوقی ایران نیز ضمن به رسمیت شناختن اصل آزادی و امنیت شخصی فردی، منع دستگیری و هم‌چنین منع توقیف و بازداشت خودسرانه افراد، محدودیت‌های قابل توجهی را در مورد تحت‌نظر قرار دادن متهم وضع نموده است. بدین ترتیب که اصل ۳۲ ق.ا، بند ۵ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و رعایت حقوق شهروندی و بند ۴ فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی (ره) با تأکید بر منع دستگیری افراد، سلب آزادی اشخاص را در موارد استثنایی و به حکم قانون پذیرفته و مواد ۴۴، ۴۶ و ۱۸۹ ق.ا. د. ک ۱۳۹۲ با وضع ممنوعیت‌ها و محدودیت‌هایی برای تحت‌نظر قرار دادن متهم،

---

۱- ماده ۹-۱- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ «هر کس حق آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچ کس را نمی‌توان خودسرانه (بدون مجوز) دستگیر یا بازداشت (زندانی) کرد. از هیچ کس نمی‌توان سلب آزادی کرد مگر به جهات و طبق آیین دادرسی مقرر به حکم قانون».

ماده ۹-۳- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ «هر کس به اتهام جرمی دستگیر یا بازداشت (زندانی) می‌شود باید او را در اسرع وقت در محضر دادرسی یا هر مقام دیگری که به موجب قانون مجاز به اعمال اختیارات قضائی باشد حاضر نمود و باید در مدت معقوله دادرسی یا آزاد شود. بازداشت (زندانی نمودن) اشخاصی که در انتظار دادرسی هستند نباید قاعده کلی باشد، ولی آزادی موقت ممکن است موکول به اخذ تصمیم‌هایی بشود که حضور متهم را در جلسه دادرسی و سایر مراحل رسیدگی قضائی و حسب مورد برای اجرای حکم تأمین نماید».

تلاش کرده تحت نظر قرار دادن متهمان را ساماندهی و محدود نماید. افزون بر آن قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) در ماده ۵۷۰ برای مأمورانی که بر خلاف قانون، آزادی اشخاص را سلب نمایند، مجازات پیش‌بینی نموده است.

## ۲- کنترل و نظارت قضایی بر تحت نظر قرار دادن متهم

کنترل و نظارت قضایی بر اقدامات ضابطان در خصوص تحت نظر قرار دادن متهمان گرچه در بند ۳ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و هم‌چنین بند ۲ ماده ۱۴ آن<sup>۱</sup> به‌طور ضمنی پذیرفته شده، اما در قوانین و مقررات کیفری ایران به ویژه قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به دفعات مورد تأکید قرار گرفته است که به ترتیب عبارت‌اند از:

الف- تکلیف ضابطان بر اعلام تحت نظر قرار دادن متهم در خارج از وقت اداری به دادستان یا قاضی کشیک در ماده ۴۷ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲؛

ب- تکلیف ضابطان بر اعلام مشخصات متهم تحت نظر به دادرسی محل در ماده ۴۹ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲؛

پ- حق نظارت دادستان بر ضابطان دادگستری از حیث وظایفی که به‌عنوان ضابط انجام می‌دهند و هم‌چنین حق نظارت سایر مقامات قضایی در اموری که به ضابطان ارجاع می‌دهند در ماده ۳۲ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲؛

ت- حق نظارت دادستان بر ضابطان دادگستری از حیث وظایفی که به‌عنوان ضابط انجام می‌دهند و هم‌چنین حق نظارت سایر مقامات قضایی در اموری که به ضابطان ارجاع می‌دهند در ماده ۳۲ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲؛

ث- تکلیف دادستان بر نظارت بر حسن اجرای وظایف ضابطان از طریق بازرسی از واحدهای مربوط در ماده ۳۳ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲؛

۱- بند ۲ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶-۲- هر کس به ارتکاب جرمی متهم شده باشد حق دارد بی‌گناه فرض شود تا این که مقصر بودن او بر طبق قانون محرز بشود.»

ج- تکلیف مدیر کل زندان‌های استان، معاونین و مسئولان واحدهای حفاظت اطلاعات، بازرسی و قضایی اداره کل مذکور به بازدید نوبه‌ای و مستمر از بازداشتگاه‌های انتظامی در ماده ۱۳ آیین‌نامه اجرائی نحوه ایجاد، اداره و نظارت بر بازداشتگاه‌های انتظامی مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۰۷؛

چ- تکلیف دادستان‌ها و قضات ناظر زندان به بازدیدهای نوبه‌ای و غیر مترقبه بر نحوه اداره بازداشتگاه‌ها در ماده ۱۶ آیین‌نامه مزبور؛

ح- تکلیف دادستان‌ها و رؤسای حوزه‌های قضایی بخش‌ها یا نمایندگان آن‌ها بر نظارت بر تحت‌نظرگاه‌های کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها و نحوه و مدت نگهداری افراد در ماده ۱۷ آیین‌نامه مزبور.

### ۳- تفهیم و ابلاغ موضوع اتهام و ادله آن به متهم

اولین و اساسی‌ترین حق متهم، حق اطلاع از علت مراجعه ضابطان قضایی قوه قضاییه به وی است و بقیه حقوق، فرع بر مورد مراجعه قرار گرفتن است (رحمدل، ۱۳۹۴: ۴۱). حق متهم به اطلاع از ماهیت اتهام امروزه به یکی از حقوق مسلم و انکارناپذیر وی تبدیل شده و از چنان اهمیتی برخوردار است که اسناد بین‌المللی از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و اسناد منطقه‌ای مانند کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و ماده ۵ ق.آ.د. ک ۱۳۹۲ به آن تصریح کرده‌اند. بدین ترتیب که میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ در بند ۲ ماده ۹، متذکر می‌شود «هر کس دستگیر می‌شود باید در موقع دستگیر شدن از جهات (علل) آن مطلع شود و در اسرع وقت اخطاریه‌ای به هر گونه اتهامی که به او نسبت داده می‌شود دریافت دارد». هم‌چنین در ماده ۱۴-۳ الف در بیان حداقل تضمین‌های متهم بیان می‌دارد «در اسرع وقت و به تفصیل به زبانی که او بفهمد از نوع و علل اتهامی که به او نسبت داده می‌شود مطلع شود». در حقوق ایران نیز حق متهم به اطلاع از ماهیت اتهام و هم‌چنین آگاه نمودن متهم از موضوع و ادله اتهام مورد تأکید قرار گرفته است. به گونه‌ای که قانون اساسی در اصل ۳۲ مقرر می‌دارد «موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود». علاوه بر آن



قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نیز ضمن تأکید بر آگاه نمودن متهم از موضوع و ادله اتهام در ماده ۴۶، تفهیم موضوع و ادله اتهام را بلافاصله (پس از تحت نظر قرار دادن متهم) و به طور کتبی به ضابطان دادگستری تکلیف می‌نماید. از این رو حق اطلاع متهم از اتهام خود و ادله آن و نیز حق وی به دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی خود محدود به مکان و نزد مقام خاصی نبوده و در سریع‌ترین زمان ممکن، چه نزد ضابطان باشد و چه نزد مقام قضایی باید رعایت شود (کوشکی و سهیل مقدم، ۱۳۹۵: ۲۱۰). هرچند رعایت حقوق متهمان در مرحله کشف جرم یا تحت نظر، بستگی به آموزش‌های خاص انتظامی و قضایی ضابطان دادگستری و هم‌چنین کوشش آنان به رعایت مقررات آیین دادرسی کیفری دارد.

#### ۴- حق تقاضای حضور و ملاقات با وکیل

اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در ماده ۱۴-۳ بندهای ب و د بر دفاع متهم و حق داشتن وکیل از نخستین مرحله فرآیند کیفری تأکید کرده‌اند. قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نیز با رویکرد حقوق بشری برای اولین بار در نظام حقوقی ایران برای متهم حق داشتن وکیل را مطابق با ماده ۴۸ قانون مزبور در فرآیند کشف جرم پیش‌بینی کرده است (مهر، محمودیان اصفهانی، ۱۳۹۶: ۳۵۲).

اما نکته مهم در بحث دسترسی به وکیل، اقدام نوآورانه و ابتکاری قانون مزبور است که در ماده ۴۸ مقرر می‌دارد «با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می‌تواند تقاضای حضور وکیل نماید...». با وضع این ماده در واقع قانون‌گذار ایرانی با پذیرفتن وکیل از زمان تحت نظر قرار گرفتن شخص، از سیستم دادرسی تفتیشی در مرحله تحقیقات مقدماتی و حتی مرحله پلیسی و کشف جرم عدول و به سیستم دادرسی اتهامی تغییر رویکرد داده است (جاوید و شاهمادی، ۱۳۹۶: ۹۲). با این وجود، اجرای مقررات مربوط به مداخله وکیل در مرحله تحت نظر با ایرادهایی مواجه است. یکی از ایرادهای وارده بر ماده ۴۸ نظم ساختاری به منزله یکی از بایسته‌های قانون‌نگاری صحیح است. در ماده یادشده، این نظم به دلیل مطابقت نداشتن موضوع تبصره با موضوع اصل ماده رعایت نشده است.

تبصره ماده ۴۸ در خصوص محدودیت‌های مداخله و کیل در مرحله تحقیقات مقدماتی است. در حالی که موضوع ماده در خصوص حق برخورداری متهم از وکیل در فرآیند شروع تحت نظر است. جایگاه تبصره مذکور در ذیل ماده ۱۹۰ صحیح به نظر می‌رسد (مهرا، محمودیان اصفهانی، ۱۳۹۶: ۳۴۵). علاوه بر آن در ماده ۴۸ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ زمان دخالت و کیل با الهام از حقوق فرانسه، بی‌درنگ پس از شروع تحت نظر قرار گرفتن است. با این حال ماده مزبور دو شرط ایجابی را برای برخورداری متهم از وکیل در این مرحله در نظر گرفته است. اول؛ ملاقات با متهم به مدت یک ساعت باشد. دوم فقط با ملاحظات کتبی و کیل باشد که در این مورد دو تفسیر وجود دارد. این که وکیل یا متهم حق دسترسی یا مطالعه پرونده را دارند؟ یا این که حق آن‌ها به صرف ملاقات با هم محدود شده است؟

نکته قابل ملاحظه دیگری که مطرح است این است که محروم کردن متهم از حق ملاقات با وکیلش از سوی ضابطان، ضمانت اجرا ندارد و ضابطان را با محکومیت موضوع ماده ۶۳ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ (انفصال موقت از خدمات دولتی) مواجه نمی‌کند؛ اما در طرف مقابل مهم‌ترین ایرادی که ضابطان دادگستری به ماده ۴۸ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ وارد می‌نمایند این است که قانون‌گذار تنها به بیان حق ملاقات و مدت آن اکتفا نموده و سایر ملاحظات مربوط به آن از دید قانون‌گذار مغفول مانده است. از نظر ضابطان دادگستری، حق ملاقات متهم با وکیل از زمان شروع تحت نظر قرار گرفتن شخص، آن هم در کلیه جرایم، امنیت جامعه را به مخاطره می‌اندازد. به گونه‌ای که ملاقات وکیل با متهم باعث از بین رفتن ادله و آثار جرم، فرار و مخفی شدن معاونان و شرکای (احتمالی) جرم و در نهایت عقیم ماندن کشف جرم می‌شود. به‌ویژه در جرایم تروریستی، سازمان‌یافته و جرایم سایبری که ثانیه‌ها تعیین‌کننده است. از این رو ضرورت دارد قانون‌گذار تأخیر استثنایی (حداقل یک هفته‌ای) در حق تقاضای حضور و ملاقات با وکیل مدافع را در جرایم خاص ایجاد نماید. بر این اساس تأخیر استثنایی پیش‌بینی

شده در حق ملاقات متهم با وکیل مدافع که در تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ قید شده بود و در اصلاحات ۳/۲۴/۱۳۹۴ (قبل از اجرایی شدن قانون مزبور) حذف شد، از نظر اجرایی صحیح به نظر می‌رسد و منطبق با واقعیت است.

### ۵- حق مطالبه جبران خسارت ناشی از بازداشت یا دستگیری غیر قانونی

اسناد بین‌المللی حقوق بشری (بند ۵ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶) حق جبران خسارت را پیش‌بینی و متذکر می‌شود «هرکس که به‌طور غیرقانونی دستگیر یا بازداشت (زندانی) شده باشد حق جبران خسارت خواهد داشت»؛ اما قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ (اصلاحی ۱۳۹۴) به جبران خسارت متهم توسط دولت تصریح کرده که این امر از نکات برجسته قانون مزبور است و منطبق با اسناد بین‌المللی می‌باشد (رحمدل، ۱۳۹۷: ۱۱۳). قانون مزبور مواد ۷ و ۲۵۵ را به جبران خسارت متهمی که غیرقانونی بازداشت می‌شود، اختصاص داده است. بدین ترتیب که ماده ۲۵۵ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ بر مطالبه جبران خسارت ایام بازداشت افرادی که در جریان تحقیقات مقدماتی به هر علت بازداشت می‌شوند و از سوی مراجع قضایی، حکم برائت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر شود، تأکید می‌کند و ماده ۷ قانون مزبور نیز علاوه بر الزام ضابطان دادگستری و تمام اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند به رعایت حقوق شهروندی و جبران خسارت وارده، برای متخلفان مجازات مقرر در ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات بازدارنده) مصوب ۳/۲/۱۳۷۵ را تعیین کرده است.

## دوم- جهات افتراق

### ۱- حق اعتراض به تحت نظر قرار گرفتن

با وجود رویکرد مشابه و یا نزدیک قوانین کیفری ایران و اسناد بین‌المللی حقوق بشری بر ممنوعیت دستگیری و بازداشت خودسرانه افراد که در بند یک جهات اشتراک حقوق متهم تحت نظر به اختصار توضیح داده شد، در قانون آیین دادرسی کیفری امکان

و نحوه اعتراض به تحت نظر قرار گرفتن برای متهمی که آزادی او توسط مقام‌های مجاز (ضابطان دادگستری یا مقام قضایی ذیصلاح) سلب می‌شود، پیش‌بینی نشده است. در حالی که بند ۴ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بیان می‌دارد «هر کس که بر اثر دستگیری یا بازداشت (زندانی) شدن از آزادی محروم می‌شود، حق دارد که به دادگاه تظلم نماید. به این منظور که دادگاه بدون تأخیر راجع به قانونی بودن بازداشت اظهار رأی بکند و در صورت غیرقانونی بودن بازداشت حکم آزادی او را صادر کند»؛ بنابراین مناسب است که حق اعتراض متهم/شخص به تحت نظر قرار گرفتن در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نیز پیش‌بینی شود.

## ۲- حق اطلاع متهم از حقوق قانونی خود

حق اطلاع متهم تحت نظر از حقوق قانونی خود، یکی از نوآوری‌های ارزشمند قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ است. در حالی که این حق به صراحت در اسناد بین‌المللی حقوق بشری پیش‌بینی نشده است. این نوآوری از آن جهت اهمیت مضاعف پیدا می‌کند که علاوه بر این که قانون‌گذار در ماده (۵) قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مقرر نموده است که «متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود»، در ماده ۵۲ قانون مزبور نیز ضابطان دادگستری را مکلف به تفهیم حقوق مندرج در قانون در مورد شخص تحت نظر کرده و تأکید می‌کند که حقوق مزبور را به صورت مکتوب در اختیار او قرار دهند و رسید دریافت و ضمیمه پرونده کنند. افزون بر آن تخلف ضابطان دادگستری از این ماده را مستوجب مجازات (سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی) دانسته است.

## ۳- حق آگاه کردن افراد خانواده یا آشنایان

اسناد بین‌المللی حقوق بشری در مورد حق متهم بر آگاه کردن خانواده یا آشنایان خود از تحت نظر بودن ساکت است؛ اما از یک طرف قسمت اخیر ماده ۴۹ ق.آ.د. ک ۱۳۹۲ در مورد حق والدین، همسر و فرزندان، خواهر و برادر متهم تحت نظر بر این که بتوانند

از طریق مراجع قضایی یا انتظامی، از تحت نظر بودن او اطلاع یابند سخن گفته و اعلام داشته پاسخ‌گویی به بستگان مزبور ضروری است. از طرف دیگر ماده ۵۰ قانون مزبور به حق متهم بر این که بتواند به وسیله تلفن یا هر وسیله ممکن، افراد خانواده یا آشنایان خود را از تحت نظر بودن آگاه کند، تصریح کرده است.

#### ۴- حق معاینه پزشکی

در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی چنین حقی برای شخص متهم پیش‌بینی نشده است. در حالی که در نظام کیفری ایران، با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، حق مذکور برای اولین بار است که مورد تأکید مقنن قرار گرفته است. این حق در راستای احترام هر چه بیشتر به حیثیت و کرامت انسانی اشخاص است و در واقع هیچ نوع عمل‌کردی نباید مانع از حفظ سلامت روحی و جسمی انسان شود (کوشکی، سهیل مقدم، ۱۳۹۵: ۲۲۱)؛ اما از این که معاینه پزشکی، حسب درخواست متهم یا بستگان نزدیک وی صورت می‌گیرد، معلوم می‌شود، نظر مقنن از وضع ماده مزبور، جلوگیری از اعمال آزار و شکنجه جسمی متهم تحت نظر است؛ زیرا نفس امکان معاینه پزشکی و ثبت صدمات جسمانی، ضابطان را از آزار احتمالی جسمانی متهم باز می‌دارد. البته در مقابل انجام معاینه پزشکی یا امکان انجام آن، ادعای بعدی متهم، دائر بر اعمال شکنجه یا آزار جسمی و این که اقرار احتمالی وی در زمان تحت نظر ناشی از آزار بوده را منتفی می‌سازد (ناجی، ۱۳۹۴: ۱۲۳).

#### ۵- حق سکوت

بند یکم ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر و شق ز بند سوم ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به‌طور ضمنی حق سکوت را به رسمیت شناخته‌اند. در حقوق ایران نیز مبنای حق سکوت را می‌توان اصل ۳۸ قانون اساسی دانست و بند ۱۱ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ که با صراحت بیشتری حق سکوت متهم را مورد اشاره قرار داده است. در همین راستا گرچه

ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ در ماده ۱۹۷ حق سکوت متهم را به طور صریح در مرحله تحقیقات مقدماتی از سوی بازپرس به رسمیت شناخته و مقرر می‌دارد «متهم می‌تواند سکوت اختیار کند. در این صورت مراتب امتناع وی از دادن پاسخ یا امضای اظهارات در صورت مجلس قید می‌شود.»، ولی درباره حق سکوت و تکلیف ضابطان دادگستری به تفهیم آن به متهم در وضعیت تحت نظر بحث نشده و ماده اشاره شده نیز در عمل مربوط به شروع به تحقیقات و اولین جلسات بازجویی از سوی قاضی تحقیق است و می‌توان گفت که مرحله تحت نظر را در بر نمی‌گیرد (دهقانی، همکاران، ۱۳۹۸: ۱۰۷). در مقابل با توجه به ماده ۶۱ قانون مذکور و اعتقاد داشتن به حاکم بودن مقررات آن در مرحله کشف جرم و نیز این واقعیت که مرحله تحقیقات مقدماتی ویژگی خاصی ندارد که حق سکوت را تنها مختص این مرحله بدانیم، از زمان آغاز فرآیند دادرسی کیفری تا انتها این حق وجود دارد (کوشکی، سهیل مقدم، ۱۳۹۵: ۲۱۵)؛ اما از آنجا که ماده ۵۲ قانون مذکور در باب تکلیف ضابطان به آگاه‌سازی و تفهیم حقوق اشخاص تحت نظر، به طور روشن به حقوق مندرج در این قانون در مورد شخص تحت نظر اشاره نموده و ماده ۶۱ آن قانون نیز در خصوص نحوه انجام وظایف ضابطان در روند تحقیقات است و حق سکوت به عنوان یکی از حقوق پیش‌بینی شده برای متهمان یا مظنونان تحت نظر بیان نشده است، به نظر می‌رسد نمی‌توان این حق را جزء حقوق اشخاص تحت نظر قلم داد نمود. در صورتی که پیش‌بینی حق سکوت در مرحله کشف جرم امری ضروری بوده که مورد توجه قانون‌گذار قرار نگرفته است. نکته دیگر در مورد حق سکوت، اطلاع‌رسانی این حق به متهم یا مظنون تحت نظر است و این که ضابطان باید حق مذکور را به اطلاع متهم برسانند. در قانون آیین دادرسی کیفری ایران نه ضابطان دادگستری و نه مقام‌های قضایی تکلیفی به تفهیم حق سکوت به متهم ندارند و از این جهت قانون ساکت است؛ بنابراین ضرورت دارد در اصلاحات ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ حق سکوت در

مرحله تحت نظر پیش‌بینی شود و ضابطان دادگستری مکلف به اطلاع‌رسانی و تفهیم آن به شخص / متهم تحت نظر گردند.

### ۶- ضمانت اجرای نقض حقوق متهمان تحت نظر

یکی از نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ تعیین مصادیق تخلفات انتظامی پلیس قضایی در فرآیند دادرسی کیفری از جمله تخلفات ناظر به نقض حقوق دفاعی اشخاص تحت نظر است (موذن زادگان، ۱۳۹۵: ۳۶). این ابتکار قانون‌گذار ایرانی که در ماده ۶۳ قانون مزبور تبلور یافته و در اسناد بین‌المللی حقوق بشری مورد تصریح قرار نگرفته است، ضامن اجرای صحیح قانون بوده و از سوءاستفاده‌های احتمالی از قانون توسط مقامات پلیس، پیشگیری می‌کند (نک به ماده ۶۳ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲)؛ اما به نظر می‌رسد ضمانت اجرای پیش‌بینی شده برای رعایت حقوق متهمان تحت نظر (محکومیت ضابطان به انفصال موقت از خدمات دولتی) تنها یک ضمانت اجرای اداری بوده و قانون‌گذار باید در مورد بطلان اعمال حقوقی اسناد و مدارک تحصیل شده علیه متهمی که با سلب حقوق او در مرحله تحت نظر به‌دست آمده نیز تعیین تکلیف می‌کرد تا عدالت به معنای واقعی کلمه رعایت شود.

### بحث و نتیجه‌گیری

بررسی حقوق متهم تحت نظر در قوانین ایران به‌ویژه قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نشان می‌دهد که رویکرد و جهت‌گیری آیین دادرسی کیفری در سال‌های اخیر تحت تأثیر الگوی دادرسی عادلانه متحول شده است. این قانون با گسترش قلمرو حقوق متهم در مرحله تحت نظر و پیش‌بینی حقوقی مانند حق ملاقات با وکیل، حق اطلاع به خانواده یا آشنایان (از تحت نظر قرار گرفتن) به وسیله تلفن یا هر وسیله ممکن، حق معاینه توسط پزشک، حق تفهیم اتهام و... گام‌های مؤثری را در جهت حمایت از متهم تحت نظر، در راستای نزدیکی قانون آیین دادرسی کیفری با معیارهای جهانی حقوق بشری برداشته است. به گونه‌ای که می‌توان از این پس مرحله تحت نظر را جزء جدایی‌ناپذیر فرآیند دادرسی کیفری محسوب کرد. در واقع نتیجه بررسی نشان می‌دهد که قانون مزبور از

لحاظ تطبیق با معیارهای حقوق بشری مندرج در اسناد بین‌المللی (اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) دارای مزیت‌های بالایی است و جهات و مصادیق اشتراک آن بیشتر از جهات و مصادیق افتراق آن است. اما گرچه نهاد تحت نظر در ق.آ.د. ک ۱۳۹۲ ضابطه‌مند شده است ولی هنوز به‌طور رسمی به‌عنوان یکی از مراحل دادرسی کیفری پذیرفته نشده و دارای ایرادها و ابهام‌های اساسی است که راهکارهای زیر در جهت رفع ابهام‌های مورد نظر و هم‌چنین نواقص فعلی قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ پیشنهاد می‌شود.

### پیشنهادها

- ۱- مرحله تحت نظر به‌عنوان یکی از مراحل آیین دادرسی کیفری به‌صورت رسمی در قانون آیین دادرسی کیفری پذیرفته شود.
- ۲- تحت نظر قرار دادن متهم فقط محدود به جرایم مشهودی شود که دارای مجازات حبس بیش از شش ماه باشند.
- ۳- حق اعتراض متهم به تحت نظر قرار گرفتن پیش‌بینی و مورد پذیرش قرار گیرد.
- ۴- نهاد مستقلی برای نظارت بر تحت نظر و برجسته نمودن کاستی‌های آن پیش‌بینی شود.
- ۵- امکان تمدید مدت اولیه تحت نظر و هم‌چنین افزایش استثنایی مدت تحت نظر در جرایم مهم از جمله جرایم تروریستی، امنیتی و سازمان‌یافته پیش‌بینی شود.
- ۶- تأخیر استثنایی در حق ملاقات متهم با وکیل در جرایم مهم از جمله جرایم تروریستی، سازمان‌یافته و سایبری پیش‌بینی شود.
- ۷- ضمانت اجرای بطلان اعمال حقوقی و اسناد و مدارک تحصیل شده علیه متهمی که با سلب حقوق او در مرحله تحت نظر به‌دست آمده، پیش‌بینی شود.
- ۸- حق سکوت در مرحله تحت نظر برای متهم و هم‌چنین تکلیف ضابطان دادگستری به تفهیم آن به متهم تحت نظر در قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شود.



۹- حق جبران خسارت برای متهمی که به‌طور غیرقانونی یا ناعادلانه تحت نظر ضابطان دادگستری قرار می‌گیرد، پیش‌بینی شود.

### تقدیر و سپاسگزاری:

از دیدگاه قرآن مجید تشکر و سپاسگزاری باعث تربیت و تکامل انسان‌هاست؛ بنابراین به مصداق جمله معروف «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» بر خود لازم می‌دانم از کلیه متخصصان و خبرگان حوزه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، به‌خصوص از استادان محترم راهنما و مشاور رساله دکتری خود که در تهیه و تنظیم این مقاله اینجانب را یاری نموده‌اند، صمیمانه تشکر و قدردانی نمایم.

### منابع

- آشوری، محمد؛ سپهری، روح‌الله. (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی مرحله تحت‌نظر در آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه. آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۰(۶): ۳۲-۳. قابل‌بازیابی از: [https://cld.razavi.ac.ir/article\\_756.html](https://cld.razavi.ac.ir/article_756.html)
- احمدی، احمد؛ رضایی، محسن. (۱۳۹۵). آثار جهانی شدن جرم در قلمرو حقوق کیفری شکلی ایران. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۴(۱۴): ۱۴۴-۱۱۵. قابل‌بازیابی از: [https://jclr.atu.ac.ir/article\\_3956.html](https://jclr.atu.ac.ir/article_3956.html)
- اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸.
- القاصی مهر، علی؛ جانی‌پور، علی؛ ابراهیمی، شهرام. (۱۳۹۷). کنترل تحت‌نظر در حقوق کیفری ایران و فرانسه. پژوهش‌نامه حقوق کیفری، ۹(۲): ۳۱-۵۳. قابل‌بازیابی از: [https://jol.guilan.ac.ir/article\\_3135.html](https://jol.guilan.ac.ir/article_3135.html)
- آیین‌نامه اجرائی نحوه ایجاد، اداره و نظارت بر بازداشتگاه‌های انتظامی مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۰۷.

- جاوید، محمدجواد؛ شاهمرادی، عصمت. (۱۳۹۶). مطالعه تطبیقی تحولات حقوق بشری در قانون آیین دادرسی کیفری و اسناد بین‌المللی. فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۲۰(۷۸): ۱۰۶-۸۳. قابل بازیابی از:  
[https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article\\_56354.html](https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_56354.html)
- حیدری، الهام. (۱۳۹۴). حقوق دفاعی متهم در «دوران تحت نظر» در قانون آیین دادرسی کیفری و بررسی تطبیقی آن با حقوق انگلستان. فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۲۰(۷۱): ۵۳-۲۷. قابل بازیابی از:  
<http://jlviews.ujsas.ac.ir/article-1-614-fa.html>
- دهقانی، علی؛ آشوری، محمد؛ رحمدل، منصور؛ اردبیلی، محمد علی. (۱۳۹۸). تحول‌گرایی مرحله تحت نظر پلیسی در فرآیند دادرسی کیفری ایران در چشم‌انداز تطبیقی. نشریه علمی پژوهش‌های دانش انتظامی دانشگاه علوم انتظامی امین. ۲۱(۱): ۸۳-۱۲۱. قابل بازیابی از [http://pok.jrl.police.ir/article\\_20134.html](http://pok.jrl.police.ir/article_20134.html)
- رحمدل، منصور. (۱۳۹۴). آیین دادرسی کیفری، جلد سوم، چاپ دوم، نشر دادگستر.
- رحمدل، منصور. (۱۳۹۷). جبران خسارت متهم توسط دولت در فرآیند عدالت کیفری ایران. فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی قضایی، ۲۳(۸۲): ۱۳۳-۱۱۳. قابل بازیابی از:  
<http://jlviews.ujsas.ac.ir/article-1-1141-fa.html>
- رحمدل، منصور. (۱۳۸۵). حق سکوت، مجله حقوقی دادگستری، ۵۷ و ۵۶: ۲۱۸-۱۸۵. قابل بازیابی از:  
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/484631>
- ساقیان، محمدمهدی. (۱۳۹۳). تحولات حقوق متهم برداشتن و کیل در مرحله تحت نظر در حقوق فرانسه و ایران. فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۱(۱): ۱۱۸-۱۰۳. قابل بازیابی از [https://jqclcs.ut.ac.ir/article\\_54926.html](https://jqclcs.ut.ac.ir/article_54926.html)
- علامه، غلام حیدر. (۱۳۸۵). جنایات علیه بشریت در حقوق بین‌الملل کیفری، چاپ اول، نشر میزان.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸ با اصلاحات بعدی.
- قانون اصول محاکمات جزایی مصوب ۱۲۹۰.
- قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸.

- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.
- قانون رعایت حقوق شهروندی و احترام به آزادی‌های مشروع مصوب ۱۳۸۳.
- قانون مجازات اسلامی مصوب - بخش تعزیرات و مجازات بازدارنده مصوب ۱۳۷۵.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۶). مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، چاپ پنجاه و ششم، شرکت سهامی انتشار.
- کوشکی، غلامحسین؛ سهیل مقدم، سحر. (۱۳۹۵). مطالعه تطبیقی حقوق شخص تحت نظر در نظام دادرسی کیفری ایران و امریکا. مجله حقوقی دادگستری، ۸۰(۹۴): ۲۱۵-۱۸۵. قابل بازیابی از [http://www.jlj.ir/article\\_22011.html](http://www.jlj.ir/article_22011.html)
- موذن زادگان، حسنعلی. (۱۳۹۵). حقوق اشخاص تحت نظر در مرحله تحقیقات پلیسی در دادرسی کیفری. فصلنامه مطالعات حقوقی انتظامی، ۲(۳): ۴۰-۷. قابل بازیابی از: [http://lqp.jrl.police.ir/article\\_18102.html](http://lqp.jrl.police.ir/article_18102.html)
- مهرا، نسرين؛ محمودیان اصفهانی، کامران. (۱۳۹۶). الزامات حقوق بشری کشف جرم در نظام حقوقی ایران. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۷ (۲): ۳۵۶-۳۲۹. قابل بازیابی از [https://journals.ut.ac.ir/article\\_63101.html](https://journals.ut.ac.ir/article_63101.html)
- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶.
- ناجی زواره، مرتضی. (۱۳۹۴). آشنایی با آیین دادرسی کیفری دعاوی ناشی از جرم و تحقیقات مقدماتی، جلد اول، چاپ اول، انتشارات خرسندی.
- ناجی زواره، مرتضی. (۱۳۹۴). دادرسی بی طرفانه در امور کیفری، چاپ دوم، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- وروائی، اکبر؛ بهرامی پور، رسول و محمدی، همت. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی حقوق متهم تحت نظر در نظام کیفری ایران و فرانسه، انتشارات بهنامی.